

دموکراسی الکترونیکی؛ مفاهیم، مدلها و محدودیتها

محسن رهبری^۳

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی
دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

محسن قادری برمی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی
بنیاد توسعه فردا

محمدجواد نائیجی^۱

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی
دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

با پیشرفت فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی الکترونیکی، بسیاری از حوزه های علمی از جمله علم سیاست و نظریه های دولت دستخوش تغییر شده است، به نحوی که مفاهیمی چون دولت الکترونیکی، حاکمیت الکترونیکی و دموکراسی الکترونیکی در کانون توجه و بحث قرار گرفته است. در این میان، مفهوم دموکراسی الکترونیکی همچنان مبهم و مورد مناقشه است. این امر را می توان از ابهام ناشی از عدم توافق صاحب نظران و گستردگی تعاریف و مفاهیم خود دموکراسی دانست. نقش هر یک از سه ضلع قدرت در نظامهای دموکراتیک (عموم مردم، سیاستمداران، مدیران اجرایی)، گستره مشروع مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی و سازوکارهای ناقص نظام نمایندگی از دیرباز مورد توجه صاحب نظران دموکراسی بوده است و هنوز در مورد آنها توافق عمومی وجود ندارد. از این رو، به کارگیری ابزارهای الکترونیکی در فرایندهای سیاسی جهت تسهیل مشارکت شهروندان بدون در نظر گرفتن مشکلات نظری و عملی حوزه دموکراسی، دشوار و حتی مخاطره آمیز خواهد بود. در این مقاله تلاش داریم با معرفی یک طبقه بندی سه گانه از مدلها دموکراسی و تشریح فرایندهای خط مشی گذاری در نظامهای دموکراتیک، ضمن برشمردن محدودیتهای این نوع دموکراسی، رهنمودهایی کلی برای به کارگیری ابزارهای دموکراسی الکترونیکی و IT در هریک از مراحل فرایند خط مشی گذاری ارائه نماییم.

واژه های کلیدی: دموکراسی الکترونیکی - مشارکت - مدلها دموکراسی - خط مشی گذاری

۱- دانشگاه شهید بهشتی تهران - دانشکده مدیریت

۲- بنیاد توسعه فردا - تهران - خیابان کارگر شمالی

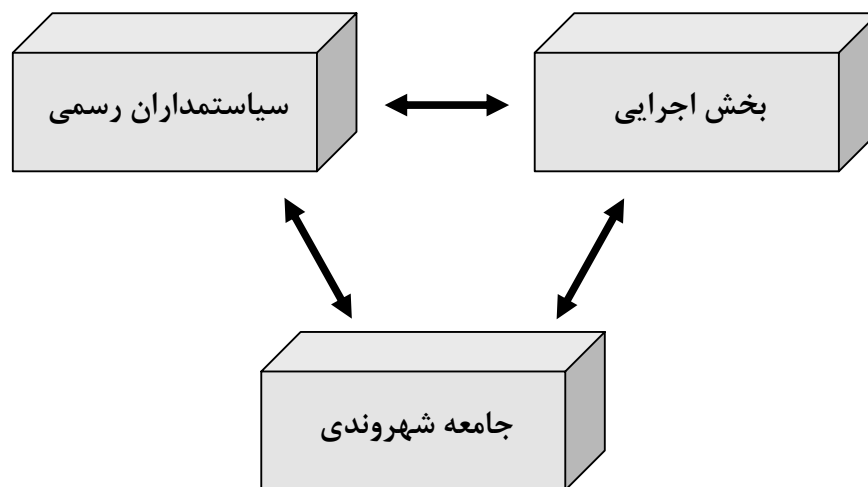
۳- دانشگاه آزاد اسلامی قزوین - دانشکده مدیریت و حسابداری

دموکراسی الکترونیکی را می‌توان در یک تعریف گسترده، به معنای بکارگیری ابزارهای IT در فرایندهای دموکراتیک دانست. هرچند در مورد بخش نخست از این تعریف، مناقشه‌ای وجود ندارد، اما بخش دوم یعنی معنای دقیق فرایندهای دموکراتیک جای تامل و بررسی بسیار دارد. مروری بر تاریخ دموکراسی نشان می‌دهد که نخستین حکومت‌های دموکراتیک هر چند به صورت ناقص و با تعریف خاص از شهروندان - که شامل زنان و بردگان نمی‌شد -، از نظام رای‌گیری مستقیم استفاده می‌کردند. با این حال، با آشکارشدن معایب این شیوه حکومتی همچون عدم امکان دسترسی مستمر به آرای عمومی برای تصمیم‌گیری، نادانی و ناتوانی توده‌ها و وجود سخنورانی که با اثرگذاری بر افکار عمومی مقاصد خاص خود را دنبال می‌کردند، به تدریج نظام نمایندگی جایگزین مراجعه مستقیم به آرای عمومی شد؛ هر چند نظام نمایندگی نیز مورد انتقاد بسیار است و از همه مهمتر اینکه به علت عدم وجود وکالت امری در نظام نمایندگی، نمایندگان می‌توانند پس از قرار گرفتن در مناصب اجرایی و قانون‌گذاری از نظرات و خواسته‌های موکلانشان (عموم مردم)، تخطی کنند (نائیجی، ۱۳۸۴).

زمانی که با این پیش‌زمینه به دموکراسی الکترونیکی می‌نگریم، اهمیت آن بیشتر آشکار می‌شود. در واقع، ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی الکترونیکی اجازه می‌دهند سازوکارهای دموکراسی مستقیم که به عنوان مطلوبترین شکل اعمال حاکمیت عموم شناخته می‌شود تا حدود زیادی از بند موانع و محدودیت‌های سنتی رهایی یابند و امکان مشارکت هر چه گسترده‌تر عموم مردم در سیاست، بدون نیاز به واگذاری این حق به نمایندگان منتخب فراهم آید. با این وجود، در ارزیابی تحولی که دموکراسی الکترونیکی ایجاد کرده است نباید دچار افراط شد. حتی اگر از مخاطرات مشارکت گسترده عوام در امور سیاسی بگذریم، ابزارهای دموکراسی الکترونیکی هنوز در ابتدای راه قرار دارند و اطلاعات ارائه شده و قابلیت‌های ارتباطی تعاملی آنها چندان غنی نیست. همانگونه که در ادامه این مقاله خواهیم دید، علیرغم اینکه دموکراسی الکترونیکی افق جدیدی را برای پیاده‌سازی شکل صحیح‌تری از دموکراسی گشوده است، اما موضوع مشارکت شهروندان، مدل دموکراسی مطلوب و مناسب برای هر جامعه، قابلیت‌های محدود ابزارهای دموکراسی الکترونیکی و... هنوز جای تردید بسیاری در به‌کارگیری گسترده دموکراسی - حداقل در آینده نزدیک - باقی گذاشته است.

۱. مشارکت:

مفهوم مشارکت در کانون بحث دموکراسی الکترونیکی قرار دارد، تا آنجا که هدف اصلی استفاده از فناوری اطلاعات در سیاست، رفع معضل سنتی نحوه مشارکت عملی شهروندان برشمرده شده است. با این حال در ادبیات دموکراسی، خود مشارکت چندان مورد مناقشه نیست؛ بلکه مساله اصلی در تعریف و مشخص‌سازی نقش نخبه‌ها و توده‌ها و نقش سیاستمداران و مدیران بخش دولتی است (Gaynor, ۱۹۹۶). همانگونه که در شکل ۱ مشاهده می‌شود در یک نظام سیاسی دموکراتیک سه گروه اصلی نقش دارند که بحث در مورد هر شکل از دموکراسی یا ابزارهای آن بدون توجه به نقشی که هر یک از این سه گروه در نظام سیاسی پیدا می‌کنند بی‌معنا خواهد بود.



شکل ۱ - سه گروه اصلی در یک نظام سیاسی دموکراتیک. منبع (Molin et al ۱۹۷۵)

ابزارهای دموکراسی الکترونیکی را در هر یک از این سه بخش می توان به کار گرفت، اما این ابزارها بیشتر برای افزایش مشارکت عموم شهروندان در فرایندهای سیاسی به کار می رود. در این مقاله برای تشریح مناسب تر کاربرد دموکراسی الکترونیکی در فرایندهای سیاسی، سه نوع مشارکت را با توجه به نقش هر یک از سه بخش مذکور مورد بحث قرار می دهیم:

۱- **مشارکت مردم.** عموم مردم، معمول ترین و برجسته ترین گروه هدف هستند. بسیاری از پروژه های دموکراسی الکترونیکی، با ارائه اطلاعات، پرسشنامه و رفراندوم در صدد یافتن راه هایی برای ایجاد تعامل مناسب تر شهروندان با سیستمهای سیاسی هستند (Electoral Commission, ۲۰۰۳; Ohlin and Hallgren, ۲۰۰۲).

۲- **مشارکت میان سیاستمداران.** سیاستمداران به صورت گسترده ای با مشکلات ارتباطی مواجه هستند و بسیاری از آنها به خصوص سیاستمداران محلی، تنها به صورت پاره وقت به سیاست اشتغال دارند و از این رو، فاقد زمان لازم برای مشارکت در امور سیاسی هستند. در سطح ملی نیز ارتباطات در قالب کار پارلمانی، کار حزبی، تماسهای انتخاباتی و...، مقوله ای اساسی تلقی می شود. سیاستمداران ملی باید دائما در سفر باشند و حتی گاهی باید در یک زمان، در دو محل مختلف حضور داشته باشند. در هر دو مورد می توان از ابزارهای متنوع دموکراسی الکترونیکی چون جلسات مجازی، به عنوان مکمل جلسات فیزیکی استفاده کرد (Snellen, ۱۹۹۵).

۳- مشارکت سیاستمداران و مدیران اجرایی. یکی از مشکلات فزاینده دموکراسی، درک و شناخت مسایل و موضوعاتی است که باید در مورد آنها تصمیم گرفت. نه تنها سیاستمداران محلی که به صورت غیرحرفه ای و نیمه وقت به امور سیاسی می پردازند، بلکه حتی سیاستمداران حرفه ای نیز این نیاز را احساس می کنند که برای تصمیم گیری باید اطلاعات جزئی و تفصیلی در اختیار داشته باشند. (Coleman, ۲۰۰۴) در این راستا، راه حلهای مختلفی برای بهبود اطلاعات دریافتی وجود دارد که سیستمهای پشتیبانی از تصمیم و سیستمها و فناوریهای کار با اسناد، از آن جمله هستند.

این سه زمینه کاملا از یکدیگر متمایز هستند. از این رو، فناوریهایی که برای پشتیبانی از آنها به کار می روند نیز باید متفاوت باشند. برای پشتیبانی از رابطه سیاستمداران و مدیران اجرایی، عمدتا از سیستمهای پشتیبانی از تصمیم (DSS) و برای پشتیبانی از مشارکت مردمی، از ابزارهای دموکراسی الکترونیکی استفاده می شود (Geldermann, ۲۰۰۱). مشارکت در موارد ۱ و ۳، نه تنها از لحاظ تعداد افراد درگیر در آنها، بلکه از نظر عدم توافق نظری در مورد چگونگی درگیر ساختن عموم در سیاست متفاوتند. مدل‌های مختلفی در دموکراسی وجود دارد که دیدگاههای متفاوتی در خصوص نحوه مشارکت مردم ارائه می دهند. پیش از پرداختن به دموکراسی الکترونیکی بررسی مدل‌های دموکراسی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد؛ زیرا بافت کلی فضای سیاسی و جایگاه و نقشی که هر جامعه برای مشارکت عموم در فرایندهای سیاسی قایل است و نوع و نحوه کاربرد ابزارهای دموکراسی الکترونیکی را مشخص می کند (Lenk et al, ۲۰۰۲).

۲. مدل‌های دموکراسی:

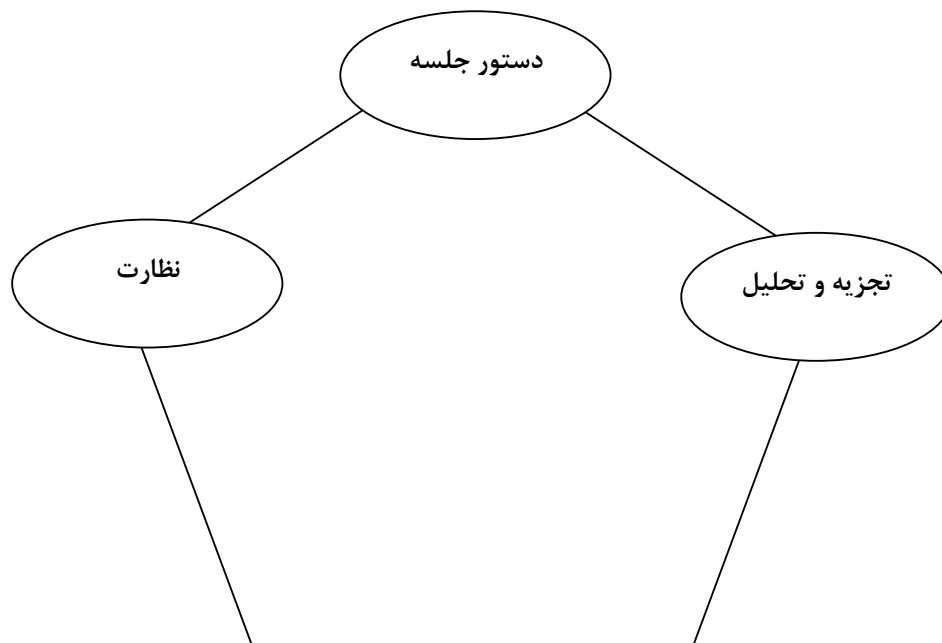
شاید به تعداد نظریه پردازان دموکراسی، مدل‌های نظری برای تشریح این مفهوم ارائه شده باشد که البته برای پیشبرد بحث، لزومی به دانستن همه آنها نیست. در جدول ۱، سه دیدگاه کلی در مورد مشارکت عمومی و نحوه به کارگیری فناوری اطلاعات برای پشتیبانی از آنها ارائه داده ایم. هر یک از این دیدگاه ها، چندین مدل دموکراسی را در برمی گیرند. اغلب ابزارهای دموکراسی الکترونیکی مبتنی بر مدل دموکراسی قوی هستند که بر لزوم استفاده از IT در بحث های عمومی تاکید دارند. در مقابل، در حوزه دولت الکترونیکی که بیشتر دموکراسی ضعیف در آن حاکم است، استفاده از IT برای ارائه اطلاعات به عموم در دستور کار قرار دارد. سرانجام اینکه، مدل سریع بر نظرسنجی برای آگاهی از افکار عمومی و تصمیم گیری بر اساس آن تمرکز دارد (Macintosh, ۲۰۰۳). بسته به اینکه افراد یا جوامع کدام مدل دموکراسی را ترجیح می دهند، نقش افراد در مراحل مختلف فرایند تصمیم گیری تغییر می کند. در ادامه به علت اهمیت این مطلب، به اختصار آن را در جدول ۱ تشریح می کنیم.

دموکراسی سریع	دموکراسی قوی	دموکراسی ضعیف
حاکمیت مردم	استقلال	آزادی فردی
تصمیم اکثریت	بحث عمومی	پاسخگویی
تصمیم گیر	شکل دهنده افکار عمومی	رای دهنده
محدود	تعاملی	باز
تصمیم	بحث	اطلاعات

فرآیند تصمیم‌گیری دموکراتیک:

- ۱ - تعیین دستور کار، مشخص ساختن نیاز به خط مشی جدید یا تغییر خط مشی های قدیمی و تعریف مساله ای که باید مورد توجه قرار گیرد.
- ۲ - تجزیه و تحلیل، تعریف چالشها و فرصتهای مرتبط با دستور کار به منظور تدوین پیش نویس سند خط مشی. این مرحله می تواند شامل گردآوری شواهد و دانش از یک مجموعه منابع اطلاعاتی، شناخت بافت های اثرگذار بر تصمیم به خصوص بافت سیاسی مطرح شده در دستور کار و در نهایت تدوین گزینه ها باشد.
- ۳ - تدوین خط مشی. اطمینان از تدوین یک سند خط مشی قابل اجرا. این مرحله مشتمل بر مشاوره رسمی، تجزیه و تحلیل مخاطره و طراحی برنامه اجرایی است.
- ۴ - اجرای خط مشی. این امر می تواند مشتمل بر تدوین قوانین، مقررات، رهنمودها و برنامه ارسال باشد.
- ۵ - نظارت بر خط مشی. این مرحله عمدتاً شامل ارزیابی و بررسی خط مشی در عمل، شواهد پژوهشی و دیدگاه های کاربران می باشد.

در مدل‌های مختلف دموکراسی، نقشهای مختلفی برای مشارکت عموم در هر یک از مراحل تدوین خط مشی در نظر گرفته می شود. در مدل دموکراسی قوی، عموم مردم باید در تمام مراحل مشارکت داده شوند. دموکراسی الکترونیکی با این دیدگاه انطباق بیشتری دارد و عموماً این نوع دموکراسی خواهان درگیر ساختن عموم مردم در فرایندهای سیاسی است. در مقابل، در دموکراسی ضعیف عموم تنها در مراحل تعیین خط مشی و نظارت دخالت دارند، اما تحلیل فنی به وسیله مدیران اجرایی صورت می گیرد. در مرحله خط مشی گذاری، ممکن است عموم دخالت داده شوند و گاهی مثلاً در قالب همه پرسی، انتخاب نیز به آنها واگذار می شود. مرحله اجرا، به بحثهای اداری مربوط می شود. شهروندان در اجرا نیز درگیر خواهند شد، اما فقط تا آنجا که فرایندهای اجرایی زندگی آنها را تحت تاثیر قرار دهد - مثلاً انجام پروژه ای مستلزم آن است که افرادی مکان زندگی خود را تغییر دهند و از این رو باید به آنها بابت اختلال در کیفیت زندگی شان غرامت پرداخت شود. سرانجام اینکه در مرحله نظارت ممکن است از عموم در مورد موضوعاتی چون کیفیت مدارس عمومی نظرخواهی شود.





شکل ۲ - پیشنهاداتی برای استفاده از ابزارهای الکترونیکی در چرخه خط مشی گذاری. منبع (Macintosh, ۲۰۰۳)

۳. دموکراسی الکترونیکی:

دموکراسی الکترونیکی هنوز در آغاز راه قرار دارد، بنابراین در مورد مفاهیم و گستره تعریف آن اتفاق نظر زیادی وجود ندارد. یکی از مهمترین دلایل این ابهام، عدم توافق و تفاسیر زیاد از خود مفهوم دموکراسی است. در یکی از قابل استنادترین تعاریف، استیون راسل دموکراسی الکترونیکی را اینگونه تشریح می کند: « استفاده از اینترنت برای ارتقای فرایندهای دموکراتیک و فراهم کردن فرصت برای افراد و جوامع برای تعامل با دولت و همچنین ایجاد فرصت برای دولت برای گرفتن بازخور از جوامع ». یکی از سازمانهای فعال در امر دموکراسی، در تعریفی دیگر دموکراسی الکترونیکی را به معنای استفاده از کامپیوترها برای ارتقای فرایندهای دموکراتیک دانسته است (DBD, ۲۰۰۸).

همانگونه که در بیشتر این تعاریف دیده می شود، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در کانون مفهوم دموکراسی الکترونیکی قرار دارد و این واقعیت را باید یکی از نقاط ضعف دموکراسی الکترونیکی دانست، زیرا مفهوم دموکراسی الکترونیک را تنها به جنبه های فنی محدود می کند، بدون آنکه تحول چندانی را در فرایندهای دموکراتیک نشان دهد.

در چهارچوب مفهومی که پیش از این در تشریح مدل های دموکراسی بدان اشاره کردیم، دموکراسی الکترونیکی را بیشتر می توان جزئی از مدل دموکراسی قوی دانست که مشورت، درگیر ساختن عموم و مشارکت مفاهیمی کلیدی در آن هستند. با این حال، ابزارهای IT در دموکراسی الکترونیکی سیستمهای بسیار ساده ای را شامل می شوند. در سیستمهای کنونی معمولاً اطلاعات به صورت ایستا از طریق ایستگاه های وب، در اختیار عموم گذاشته می شود، سپس از پست الکترونیکی برای دریافت اظهارنظرها و سوالات مربوطه به این اطلاعات بهره گرفته می شود. گاهی اوقات نیز فهرستهای پست الکترونیکی در اختیار می باشد که برای برگزاری بحثهای هدفمند از آنها استفاده می شود. اما تنها بخشی از این قبیل ابزارها، واقعاً مورد بهره برداری قرار می گیرند (Reddick, ۲۰۰۵). برای مثال، هرچند استفاده از پرسشنامه های الکترونیکی برای نظرسنجی به صورت فزاینده ای رواج پیدا کرده است، اما اغلب این کار به صورت اتفاقی و بدون در نظر گرفتن اصول صحیح روش شناسی صورت می گیرد.

ابزارهای پیشرفته تر و پیچیده تر هنوز به ندرت استفاده می شوند. ابزارهای چندی برای برگزاری نشستهای مجازی هدفمند وجود دارد، اما هنوز مراحل اولیه را طی می کنند. فناوری رای گیری/همه پرسی نیز در چندین انتخابات محلی و در سازمانهای مانند اتحادیه ها به کار گرفته شدند، اما نتایج پژوهشها نشان می دهد که تاثیری در میزان مشارکت واجدین شرایط رای گیری نداشته اند.

تحت مدل دموکراسی قوی این ابزارها را می توان برای ترتیب دادن جلسات مشورتی با عموم مردم یا نمایندگان آنها در مراحل مختلف خط مشی گذاری به کار گرفت. مصادیقی از کاربرد موفق جلسات مشورتی حداقل در مراحل تدوین دستور کار و تدوین خط مشی وجود دارد، اما طرحهای مشورتی هنوز خام و فاقد استانداردهای مشخص است. اخیراً طرحهای عملی مشارکت الکترونیکی در قالبهای ذیل ارائه شده است (Musso, 2009):

۱- اطلاعاتی در مورد خط مشی پیشنهادی یا بحثی چالش برانگیز از طریق رسانه های الکترونیکی در اختیار جامعه قرار می گیرد.

۲- امکان بحث در اجتماعات الکترونیکی فراهم می شود. اغلب این بحثها باز است، بدین معنا که دستورکار از پیش تعیین شده ای وجود ندارد و مشارکت داوطلبانه است.

۳- بحث ممکن است با ارائه یک پرسشنامه شروع یا ختم شود.

۴- به ندرت برای مشورت مستقیم تر با تصمیم گیرندگان یک نظرسنجی به صورت رای گیری رسمی صورت می گیرد.

این رویه ها را می توان با هم یا جدا از یکدیگر مورد استفاده قرار داد. گاهی اوقات تلاشهای زیادی برای هماهنگ کردن این رویه ها و درگیر کردن آنها در فرایند تصمیم گیری صورت می گیرد. با این حال، در ارزیابیهای اندکی که تاکنون روی این رویه ها صورت گرفته، محدودیتهای و موانعی مشخص شده است:

- اطلاعات ارائه شده در وب ایستا و تنها بیانگر یک دیدگاه خاص هستند. کاربری که از چندین سایت بازدید می کند از هر یک اطلاعاتی دریافت می کند که با یکدیگر متجانس نیستند. از این رو، مقایسه برایش دشوار می شود (Ranerup, 2004).
- در اینترنت به سختی می توان بحثهای هدفمند راه انداخت. بحثهای الکترونیکی ساختار نیافته هستند و سنجش، نظارت، تحلیل و کاربردی کردن آنها دشوار است و اینها را باید دلایل احتمالی کم وزن و اعتبار بودن این بحثها دانست. از یک سو، اینکه چه کسانی را باید نماینده افکار عمومی تلقی کرد یک مشکل بزرگ است و از سوی دیگر خلاصه بندی و جمع بندی بحثها بسیار مشکل است.
- ابعاد اجرایی رای گیری الکترونیکی از لحاظ عملی مشخص است، اما بر مشکلات امنیتی می افزاید و چون میزان مشارکت رای دهندگان را افزایش نداده است، برای سیاست مداران چندان جذاب نیست.
- دموکراسی الکترونیکی هزینه ها را در کوتاه مدت افزایش می دهد و از لحاظ مالی بازگشت سرمایه مناسبی ندارد (CIVTF, 2000).
- نقش مشارکت از منظر نظریه های دموکراسی نامشخص است.

علیرغم این محدودیتهای چند روش برای برگزاری هدفمند جلسات مشارکت عمومی ارائه شده است که مهمترین آنها عبارتند از (Wilhelm, 2006):

- استفاده از روش دلفی برای رسیدن به اجماع در طول برگزاری نشستها و نظرسنجیهای الکترونیکی
- تشکیل هیات نمایندگی شهروندی، که در آن گروهی از شهروندان شبیه هیات منصفه های دادگاه ها که متخصصان یک حوزه را برای تجزیه و تحلیل مساله دور هم جمع می کنند، در موضوعات خاص اجتماعی افکار عمومی را بیان می کنند.

اگر چه برای به کارگیری این روشها تلاشهای زیادی شده است، اما آنها با سیستم دموکراتیک نمایندگی همخوانی ندارند. برای مثال، مسئولیت اجرایی ساختن تصمیماتی که هیاتهای نمایندگی شهروندان می گیرند بر عهده کیست؟ متأسفانه اغلب تجربیات دموکراسی الکترونیکی از فقدان تعریف نمایندگی رنج می برند. مشارکت

کنندگان در مباحثات و پاسخگویان به پرسشنامه ها، هر چند ممکن است از برخی معیارهای نمایندگی برخوردار باشند، اما منتخب افراد یا گروه هایی از جامعه نیستند. به نظر می رسد یکی از دلایل اصلی عدم استفاده گسترده از ابزارهای دموکراسی الکترونیکی، پیچیدگی نسبی آنهاست. این ابزارها نیازمند آموزش کاربران هستند و به علت پیچیدگی فنی (فقدان جذابیت، مهارت های زبانی و...) امکان مشارکت محدودی را فراهم می آورند (Holmes, 2004). دلیل دیگر این است که به کارگیری بحث های گروهی با هدف تصمیم گیری در قالب هیات نمایندگی، روش دلفی و.. شفاف نیست. در نتیجه این روشها نه تنها نیازمند توسعه فنی بیشتری هستند، بلکه حتی مسئولیت مشارکت کنندگان و نحوه اجرایی ساختن تصمیمات آنها نیز روشن نیست.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

در این مقاله، مفهوم و مدل های دموکراسی الکترونیکی و نقش آنها در فرایندهای خط مشی گذاری در نظام های دموکراتیک مورد بررسی قرار گرفت. همانگونه که در مرور ادبیات دموکراسی الکترونیکی به وضوح مشخص بود، ابزارهای مبتنی بر فناوری ارتباطات و اطلاعات می توانند نقش بی نظیری در بهبود فرایندهای مشارکت عمومی ایفا کنند؛ اما دموکراسی الکترونیکی محدودیتهایی را نیز به همراه می آورد. به طور خلاصه، موانعی که دموکراسی الکترونیکی را از هدف اصلیش یعنی بهبود تصمیم گیری دموکراتیک دور می کند، شامل موارد ذیل می شود:

۱- برای کمک به مشارکت در فرایندهای دموکراتیک، به ابزارهای فنی نیاز می باشد. مشارکت انبوه، در راس اهداف دموکراسی الکترونیکی قرار دارد. اما این امر مستلزم ابزارهای فنی پیچیده ای است که برای استفاده عمومی از آنها محدودیتهای فراوانی وجود دارد. در عین حال، ابزارهای ساده ای که اکنون در دموکراسی الکترونیکی مورد استفاده قرار می گیرد برای سنجش و هدفمند کردن بحثها کافی نیستند، از این رو، چندان در تصمیم گیری مفید واقع نمی شوند.

۲- مشارکت را باید فرایندی اجتماعی و روانشناسانه و نه فنی دانست. ابزارهای کنونی فاقد درک عمیقی از ویژگیهای انسانی کاربران هستند و هوشمند عمل نمی کنند.

۳- هیچ معیار خاصی برای سازماندهی فرایندهای غیرمتعصبانه در دموکراسی الکترونیکی وجود ندارد. سیاستمداران مطابق معمول تمایل دارند بر اساس سیاستهای رقابتیشان، اطلاعات مقایسه ای ارائه کنند و بر نقاط قوت خود و نقاط ضعف حریف دست بگذارند و این امر کار را برای تصمیم گیری درست شهروندان و مشارکت کنندگان در فرایندهای سیاسی دشوار می کند (Dutton et al., 2001).

۴- هر چند صرف حضور در یک بحث عمومی اهمیت دارد، اما این مشارکت فاقد انگیزه ی اقتصادی است. هیچکس دموکراسی الکترونیکی را مایه کسب سود اجتماعی نمی داند، بلکه دموکراسی الکترونیکی در بهترین حالت، عموم را به سیاست علاقه مند می کند. از این رو سرمایه گذارهایی که روی دموکراسی الکترونیکی صورت می گیرد قابلیت سنجش کمی دارند.

دموکراسی الکترونیکی را نمی توان از فرایندهای سیاسی که درون آن جریان دارد جدا دانست. همانگونه که در بالا بحث شد، نقش مشارکت در دموکراسی نمایندگی نامشخص و بحث برانگیز است. بنابراین تلاش برای تسهیل مشارکت از طریق ابزارهای الکترونیکی باید هم از لحاظ فنی بی نقص باشد و هم از لحاظ سیاسی بی طرفانه، تا این گونه به عنون ابزاری متعصبانه که تنها منافع عده ای خاص را تامین می کند به نظر نیاید. همچنین ممکن است برخی فرایندهای سیاسی یا اجرایی بخش عمومی که برای تصمیم گیری در مورد آنها از دموکراسی الکترونیکی استفاده می شود چندین سال به طول بینجامد. در طول این مدت، امکان دارد رویدادهای پیش بینی

نشده، تغییر نگرشها و سایر مسایلی رخ دهد که ابزارهای دموکراسی الکترونیکی باید قادر باشند خود را با این تغییر شرایط وفق دهند.

منابع و ماخذ:

- نایبجی محمدجواد؛ "افسانه دموکراسی"، سازمان انتشارات کیهان، تهران ۱۳۸۴

- CIVTF (۲۰۰۰); "A Report on the Feasibility of Internet Voting; "California Internet Voting (<http://www.ss.ca.gov/executive/ivote>).

- Coleman, S (۲۰۰۴); "Connecting Parliament to the public via the Internet" ;Information, Communication and Society, ۷(۱), ۱-۲۲.

- (DBD). (۲۰۰۸); www.dialoguebydesign.com

- Dutton WH, Elberse A, Hale M (۲۰۰۱); A case study of a netizen's guide to elections. Communications of the ACM, December ۱۹۹۹.

- Electoral Commission. (۲۰۰۳); The shape of Elections to Come: an evaluation of the ۲۰۰۳ programme

- Gaynor D (۱۹۹۶); " Democracy in the age of information: a reconception of the public sphere. Georgetown University (<http://www.georgetown.edu/bassr/gaynor/intro.htm>), accessed July ۲۰۰۳ of voting pilots. <http://www.electoralcommission>

- Geldermann J, Rentz O (۲۰۰۱); "Integrated technique assessment with imprecise information as a support for the identification of best available techniques (BAT)" ;OR Spectrum ۲۳, pp ۱۳۷-۱۵۷.

- Holmes, D. (۲۰۰۴); "Virtual identity: Communities of broadcast, communities of interactivity". In D. Holmes (Ed.), pp ۲۶-۴۵

- Lenk K, Traunmuller R, Wimmer M. (۲۰۰۲); "The Significance of Law and Knowledge for Electronic Government. In Electronic Government}Design, Applications, and Management,. Idea Group Publishing; pp ۶۱-۷۷.

- Molin B, M(ansson L, Str.omborg L. ۱۹۷۵. Offentlig f. orvaltning(Public Administration). Bonniers.

- Macintosh A (۲۰۰۳); "E-Forum E-Democracy Work Group ۴- Initial Results" ,Report presented at e-Forum Summit, September , pp ۱۵-۱۶, Valencia, Spain.

- Musso JA, Weare C, Hale MC. (۲۰۰۹). Designing web technologies for local governance reform: Good management or good democracy, <http://www.usc.edu/dept/LAS/SC۲/juniorpublications.html>

- OECD (۲۰۰۷); "Engaging Citizens Online for Better Policymaking " ,OECD Policy Brief (<http://www.oecd.org/dataoecd/۶۲/۲۳/۲۵۰۱۸۵۶.pdf>).

- Ohlin T, Hallgren M (۲۰۰۲); "Internet voting in practice: The case of Ume , E-Service Journal, Fall ; pp ۳۵-۶۱.

- Ranerup A. (2004). Internet-enabled applications for local government democratisation. Contradictions of the Swedish experience. In Reinventing Government in the Information Age. International Practice in IT-enabled Public Sector Reform, Heeks R (ed.). Routledge: London and New York; 117-132
- Reddick, C. G (2005). Citizen interaction with e-government: From the streets to servers? Government Information Quarterly, 22, 38-57.
- Rheingold H (2000); The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier. HarperPerennial: New York
- Rosell Stephen (2000); Changing Frames: Leadership and Governance in the Information Age, Gilmore Printing, Ottawa. Pg. 27
- Snellen IThM. 1995. Channeling Democratic Influences Through Bureaucracies. In Orwell in Athens}A Perspective on Informatization and Democracy, van de Donk WBHJ, Snellen IThM, Tops PW (eds). IOS Press; 51-60.
- Wilhelm AG. (2006) ; Democracy in the Digital Age. Challenges to Political Life in Cyberspace. Routledge: New York & London